



بازپژوهی فقهی ازدواج سفید

پدیدآورنده (ها) : لشنی، موسی

فقه و اصول :: نشریه گفتمان فقه و اصول :: پاییز و زمستان ۱۳۹۷، سال سوم - شماره ۴

صفحات : از ۱۳۳ تا ۱۵۶

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1485849>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۱/۲۷

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- ازدواج سفید؛ پیامدها و خطرات
- بررسی ازدواج سفید در نظام حقوقی ایران و غرب (مدرنیته)
- ازدواج موقت و ارتباط سفید
- ازدواج سفید و پیامدهای آن در کشور ایران
- جنسیت و ازدواج سفید
- تحلیل توصیفی درباره خانواده، ازدواج رسمی و ازدواج (زیر یک سقف یا سفید) در ایران
- نقش ویژگی های شخصیتی و جمعیت شناختی در پیشبینی نگرش به ازدواج سفید در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان
- گزارشی بر روند روبه رشد خانه‌های مجردی و ازدواج سفید؛ خانه مجردی راهکار یا راه فرار؟
- نکاح معاطاتی و تفاوت آن با زنا
- ازدواج سفید از منظر فقهی - حقوقی
- کلان شهر تهران و ظهور نشانه‌های الگوی تازه‌ای از روابط زن و مرد؛ مطالعه زمینه‌ها، فرایند، و پیامدهای هم‌خانگی
- ازدواج سیاه و سفید

عناوین مشابه

- واریسی فقهی و حقوقی واقعه ازدواج سفید در رژیم حقوقی ایران
- نگرشی فقهی به نقش ازدواج سفید و جایگاه ازدواج موقت در تحول قوانین نظام خانواده در جامعه اسلامی
- ازدواج سفید از منظر فقهی - حقوقی
- بررسی فقهی حقوقی ازدواج سفید
- تحلیل فقهی و حقوقی جایگاه ازدواج سفید در ایران
- بازپژوهی در تحلیل ابعاد فقهی و حقوقی ازدواج با فرزندخوانده، با رویکردی بر نظرات امام خمینی(ره)
- تحلیل جرم شناختی ازدواج سفید
- بازپژوهی فقهی - اصولی اثبات نقض بالفعل در نظریه نقض فرضی قرارداد
- بررسی تحلیلی ابعاد مختلف ازدواج سفید در ایران (مولفه‌ای از سبک زندگی غربی)
- بازنگری در نگرش فقهی به نهاد ازدواج در پرتو آموزه‌های اخلاقی و قرآنی

بازی‌پروهای فقهی ازدواج سفید

موسی لشنی^۱

چکیده

ازدواج سفید همواره به دلیل نداشتن یکی از ارکان ازدواج صحیح شرعی از نظر فقهی و قانونی اساساً ازدواج شرعی و قانونی شمرده نمی‌شود. چرا که در ازدواج سفید سه حالت را می‌توان تصور کرد و هر سه حالت هم فاقد یک یا چند رکن هستند: در حالت اول طرفین بدون قصد ازدواج اقدام به همباشی می‌کنند در حالت دوم گرچه به قصد ازدواج اقدام به همباشی می‌کنند لکن ایجاب و قبول لفظی وجود ندارد این حالت در لسان فقها با عنوان نکاح معاطاتی معروف شده است. و در حالت سوم نیز گرچه هم قصد و هم لفظ وجود دارد اما سایر ارکان ازدواج شرعی مثل اذن پدر برای دختر باکره وجود ندارد. بدیهی است اگر طرفین هم قصد بر ازدواج داشته باشند و ایجاب و قبول لفظی را نیز به کار ببرند و سایر ارکان نیز فراهم باشد موضوعاً از ازدواج سفید خارج بوده و داخل در ازدواج صحیح شرعی می‌گردد.

کلید واژه‌ها: ازدواج سفید، همباشی، قصد، ایجاب و قبول لفظی، اذن ولی

دوفصلنامه

گفتار
فقه و اصول

سال سوم

پاییز و زمستان

۱۳۹۷

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه علوم اسلامی رضوی

مقدمه

برای صحت و انعقاد عقد نکاح، در فقه شرایطی معین شده است. شرایط اساسی صحت نکاح عبارتند از قصد؛ ایجاب و قبول، اذن ولی در نکاح دختر باکره. بنابراین اگر یکی از شرایط فوق مفقود باشد نکاح محقق نمی شود بر همین اساس باید پیرامون ازدواج سفید به بحث و بررسی پرداخت و در صورت نبود هر شرطی حکم قضیه را جداگانه استخراج نمود. چرا که در ازدواج سفید همواره یکی از شرایط فوق مفقود است. طبیعی است اگر تمام شرایط موجود باشند حکم نکاح صحیح را پیدا کرده و موضوعاً از بحث خارج می گردد. حال در مورد ازدواج سفید دو طرف - یعنی دختر و پسر - گاهی به قصد ازدواج مدتی را در کنار هم سپری می کنند (هم باشی) تا به زعم خود یکدیگر را بهتر بشناسند و گاهی اساساً قصدی برای ازدواج ندارند و فعلاً به جهت رفع مشکلات - از قبیل تامین مسکن و غذا - در کنار هم زندگی می کنند گرچه ممکن است در آینده تصمیم به ازدواج بگیرند لکن از ابتدا چنین قصدی ندارند. آن جا که دختر و پسر با تصمیم و قصد قبلی برای ازدواج در کنار یکدیگر قرار می گیرند ممکن است تنها با همین قصد و بدون اینکه لفظی به کاربرده باشند در کنار هم قرار گیرند یا ممکن است علاوه بر قصد، لفظ هم به کار ببرند اما سایر شرایط مثل اذن ولی را رعایت نکنند. به عبارت منطقی و در یک تقسیم ثنایی می توان گفت در ازدواج سفید یا طرفین قصدی برای ازدواج شرعی دارند و یا چنین قصدی ندارند و آن جا که قصد برای ازدواج شرعی دارند یا لفظ به کار می برند و یا لفظ به کار نمی برند. با یک بررسی اجمالی می توان گفت هر سه صورت ازدواج سفید از نظر فقهی و قانونی باطل است زیرا آن جا که اساساً طرفین قصدی بر نکاح شرعی ندارند طبق قاعده "تبعیت عقد از قصد" ازدواج سفید باطل است چرا که قصدی بر وقوع نکاح صحیح شرعی وجود ندارد. حالت دوم که طرفین قصد برای نکاح

شرعی دارند اما بدون لفظ، در این جا بایستی گفت حکم این حالت حکم نکاح معاطاتی است که فقها نظر بر باطل بودن آن دارند. در حالت سوم که هم قصد و هم لفظ وجود دارد اما سایر شرایط صحت نکاح مثل اذن ولی وجود ندارد باز هم چون شرایط صحت نکاح شرعی در آن جمع نیست لذا باطل است. طبق این تقسیم، حالت چهارمی برای ازدواج سفید متصور نیست زیرا اگر تمامی شرایط جمع باشد نکاح صحیح شرعی خواهد بود.

بنابراین طبق همین تقسیم بندی ابداعی به بررسی فقهی ازدواج سفید میپردازیم. ابتدا حالتی را بررسی می کنیم که اساسا طرفین هیچ گونه قصدی برای ازدواج شرعی ندارند. سپس حالتی را بررسی می کنیم که طرفین قصد بر ازدواج دارند اما بدون لفظ، به عبارت دیگر در این حالت همان احکام نکاح معاطاتی پیاده می گردد و شاید بتوان گفت نکاح معاطاتی در لسان فقها یکی از مصادیق ازدواج سفید محسوب می شود. در نهایت حالتی را بررسی می کنیم که طرفین هم قصد بر ازدواج دارند و هم لفظ را به کار می برند اما سایر شرایط محقق نیست.

حالت اول ازدواج سفید: فقدان قصد ازدواج شرعی

یکی از مصادیق ازدواج سفید جایی است که طرفین بدون هیچ گونه قصدی برای ازدواج صحیح شرعی مدتی را در کنار یکدیگر قرار می گیرند. در این راستا ابتدا لازم است نقش اراده در ایجاد عقد به صورت یک قاعده کلی بررسی گردد. سپس تفکیک اراده به قصد و رضا و نظریات حاکم در این باب بیان گردد و در نهایت و با استفاده از قواعد عمومی قراردادها در باب قصد و رضا حکم خاص ازدواج سفید در حالت فقدان قصد مورد مذاقه قرار بگیرد.

اهمیت اراده

علمای لغت اراده را از ماده «رود» و «ری د» به معنای خواستن، قصد داشتن، طلب و برگزیدن، آورده‌اند. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲: ۱۷۷۲؛ فیومی، بی تا، ج ۲: ۲۴۵؛ ابن اثیر، ۱۳۶۴، ج ۲: ۲۸۸؛ جوهری، ۱۴۱۰، ج ۲: ۴۷۸) به نظر می‌رسد فقها برای اراده، تعریفی ارائه نکرده‌اند و تنها برخی از فقها اجزای تشکیل دهنده اراده را ذکر کرده و ابراز داشته‌اند که اراده همان قصد و رضا است و از شرایط متعاقدان محسوب می‌شود. (کرکی، ۱۴۰۸، ج ۴: ۶۱) برخی دیگر از فقها قصد و رضا را تحت عنوان اختیار می‌آورند و از شرایط متعاقدین می‌دانند. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۲: ۶۰)

در فقه اسلامی اهمیت اراده در ایجاد آثار حقوقی به اندازه‌ای می‌باشد که اگر عاقد، لفظ یا مدلول آن را قصد نکند و یا قصد انشاء عقد را نداشته باشد عمل او باطل و غیر نافذ است. (انصاری، ۱۴۲۰، ج ۳: ۲۹۵؛ یزدی، ۱۴۲۱، ج ۲) محقق تستری در این باره می‌گوید:

«إنَّ العَقدَ الغَیرَ المقصودَ لیسَ عَقداً فی الحقیقَۃِ فانَّ تأثیرَ الصیغَۃِ لیسَ تعبداً محضاً کما قد یکونُ فی اذکارِ الصَّلَاةِ و نحوها بل بالمعنی المقصود منه و بضمیمهٔ ذلک یسمی عَقداً» (تستری، بی تا، ۱۱۴)

عقدی که در آن قصد نباشد عقد نیست زیرا تأثیر صیغه‌ی عقد، تعبد محض نیست و اگر صیغه را عقد گویند بخاطر این است که به چیزی که از آن قصد شده ضمیمه شده است.

تفکیک اراده به قصد و رضا

با توجه به تعریف ارائه شده از اراده، اراده به قصد و رضا تفکیک می‌شود.

الف. قصد

قصد در لغت عزم و توجه و برخاستن به سوی چیزی. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۳: ۳۵۵) و همچنین در پیش گرفتن راه، و آوردن شیء و چیزی معنا شده است. (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۲: ۵۲۴) در اصطلاح نیت، عزم و قصد بر شیء واحد صدق می‌کنند که منشاء عمل خارجی می‌شود و آن شیء به اعتبار پنهان بودنش در

نفس، نیت و به اعتبار رفع نمودن تردید، عزم و به اعتبار پایداری و استقامتش، قصد نامیده می‌شوند. (خوبی، ۱۳۵۲، ج ۱: ۸۹)

در واقع قصد، مصمم شدن به انجام عملی حقوقی از قبیل بیع و... خواه تصمیم گیرنده رضایت به اقدام خود داشته باشد خواه رضایت نداشته باشد مانند کسی که از روی اکراه اقدام به بیع می‌کند و قصد انشاء، قصدی است که یک موجود اعتباری را به وجود می‌آورد و عنصر عمومی همه عقود و ایقاعات می‌باشد پس قصد انشاء نیروی خلاق دارد و می‌تواند یک یا چند اثر حقوقی را در ظرف اعتبار ایجاد کند. (نائینی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۱۷۷)

بنابراین علاوه بر قصد لفظ و قصد معنا، باید قصد انشاء هم وجود داشته باشد تا عقدی به وجود آید. در نتیجه می‌توان گفت مراد از قصد در عقود و ایقاعات قصد انشاء یا اراده ایجاد عقد است.

ب. رضا

رضا متضاد کلمه سخط و به معنی موافقت و خشنودی است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴: ۳۲۳) معنای دیگر رضا اختیار است. (فیومی، بی تا، ج ۲: ۲۲۹) و اصل این ماده به موافقت میل آدمی به آنچه با آن مواجه است دلالت دارد (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۴: ۱۵۲)

برخی از فقهای امامیه قصد و رضا را تحت عنوان اختیار می‌آورند و آن را از شرایط متعاقدين می‌دانند و منظور از آن را قصد به وقوع مضمون عقد از روی طیب نفس در خارج می‌دانند در این حالت رضا مقابل کراهت است نه مقابل جبر، زیرا اگر مقابل جبر باشد عقد مکروه به دلیل خالی بودن از قصد موضوعا خارج از مفهوم عقد است (انصاری، ۱۴۲۰، ج ۳: ۳۰۷)

حاکمیت قصد و رضای ظاهری یا باطنی

ترجیح قصد و رضای باطنی بر قصد و رضای ظاهری و بالعکس و تاثیر آن بر عمل حقوقی از موضوعات مهم در این باب است. در اکثر موارد قصد و رضای باطنی بر ایجاد عمل حقوقی با قصد و رضای ظاهری هماهنگ است به عبارت

دیگر در مقام انشاء و ایجاد همان چیزی در عالم خارج پدیدار می‌گردد که مورد قصد باطنی بوده است اما در مواردی بین قصد و رضای ظاهری و باطنی در ایجاد یک عمل حقوقی تعارض وجود دارد است مثلاً قصد باطنی بیع است اما این قصد در قالب اجاره انشاء می‌شود در این جا باید دید در مقام تعارض کدام یک از دو قصد-باطنی و ظاهری-اصل و حاکم تلقی می‌گردد.

حاکمیت قصد و رضای ظاهری

براساس این نظریه عامل اصلی ایجاد اثر حقوقی قصد و اراده باطنی نیست بلکه الفاظ و افعال است پس اگر شخصی ادعا کند که آنچه در باطن داشتیم غیر از آنچه هست که بیان کردم مسموع نخواهد بود زیرا نظم اجتماعی و حقوق نوعی اقتضا می‌کند که افراد به مفاد گفته‌های خود پایبند باشند با توجه به آرای فقها می‌توان به اهمیت این نظریه پی برد.

مرحوم نایینی در این باره می‌نویسد:

«لا ینبغی الإشکال فی أن مجرد النیة فی باب العقود و الإیقاعات لا أثر لها بل لا بد أن ینشأ المقصود بما هو آله لإیجاد» (نایینی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۴۰۷) اشکالی نیست در اینکه مجرد نیت در باب عقود و ایقاعات اثری ندارد بلکه برای ایجاد اثر عقود و ایقاعات چاره‌ای نیست از اینکه آنچه که وسیله ایجاد مقصود است انشاء شود.

محقق حلی در کتاب شرایع الاسلام می‌گوید: «العقد هو اللفظ الدال علی نقل الملك من مالک إلی آخر بعوض معلوم و لا یکفی التقابض من غیر لفظ و إن حصل من الأمارات ما یدل علی إرادة البیع» (محقق حلی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۷) عقد، لفظی است که دلالت بر نقل ملک از مالک به شخص دیگری در مقابل عوض معلوم دارد و قبض و اقباض بدون لفظ دال بر عقد اگر چه اماره‌ای دال بر رضایت و اراده به عقد بیع حاصل شود کفایت نمی‌کند.

شهید اول نیز در تعریف انشاء می گوید:

«الانشاء هو القول الذی یوجد به مدلوله فی نفس الامر» (شهید اول، بی تا، ج ۱: ۲۵۲) انشاء صیغه، قولی است که با گفتن آن مدلولش در واقع و نفس الامر پیدا می شود.

حاکمیت قصد و رضای باطنی

بر اساس این نظریه عامل اصلی در ایجاد اثر حقوقی قصد و اراده باطنی است و کاشف از این اراده باطنی طریقت دارد نه موضوعیت و الفاظ ایجاب و قبول کاشف از قصد باطنی خواهد بود پس اگر ایجاب و قبول با اراده باطنی مغایرت داشته باشد فاقد اثر حقوقی است، برای رسیدن به دلایل این نظریه باید اقوال فقها مورد بررسی قرار گیرد.

در فقه با توجه به قاعده العقود تابعه للقصود نظریه اراده باطنی قوی تر به نظر می رسد و همچنین در آثار فقهاء عباراتی مشاهده می شود که اهتمام آنها به نظریه حاکمیت قصد و رضای باطنی را نشان می دهد.

علامه حلی در باب نکاح متعه در صورت ایجاد خلل در ذکر مدت می نویسد: «أن المتعة شرطها الأجل، فإذا فات، بطل العقد، لبطلان الشرط.» (علامه حلی، ۱۴۱۲، ج ۷: ۲۲۷) مدت، شرط متعه است پس هنگامی که شرط (مدت) از بین برود و مدت ذکر نشود عقد باطل است و منعقد نمی شود.

شهید ثانی می گوید:

«لأن المقصود من العقد لما كان هو الدلالة على القصد الباطني، و كان المعبر إنما هو القصد، و اللفظ كاشف عنه» (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۷: ۸۸) مقصود از عقد آنچه که دلالت بر قصد باطنی می کند (لفظ ایجاب و قبول) نیست و آنچه در عقد معتبر است تنها قصد باطنی است و لفظ کاشف از این قصد باطنی می باشد.

شیخ انصاری در مورد قصد و اراده می‌نویسد:

«و اشتراط القصد بهذا المعنى فى صحّة العقد بل فى تحقق

مفهومه ممّا لا خلاف فيه و لا إشكال، فلا يقع من دون

قصد إلى اللفظ كما فى الغلط» (انصارى، ۱۴۲۰، ج ۳: ۲۹۵)

از جمله شرایط متعاقدین آن است که مدلول صیغه عقد را که تلفظ می‌کنند

قصد نمایند و اشتراط قصد از اموری است که در میان فقهاء اختلافی در این باره

نیست و شکی در اشتراط آن نیست بنابراین اگر شخصی به صورت اشتباهی صیغه

ای را تلفظ کند و یا قصد معنی و انشاء صیغه ای را که تلفظ کرده نماید عقدی

واقع نمی‌شود.

آیت الله خویی در این زمینه می‌گوید:

«لا يخفى على الناقد البصير أن البيع ليس إنشاء ساذجا- و إن علم عدم

تحقق الاعتبار النفساني - و إلا لصدق مفهوم البيع على بيع الهازل و الساهی

و النائم و السكران و أمثالهم، و لا أنه صرف الاعتبار النفساني- و إن لم يقترن

به المظهر الخارجي- و إلا لصدق مفهوم البيع على الاعتبار النفساني المحض

من دون إبرازة بمبرز خارجي.» (توحیدی، بی تا، ج ۲: ۵۲) مخفی نیست بر نقد

کننده آگاه که بیع یک انشاء ساده و بدون اعتبار نفسانی نیست و الا اگر این

چنین بود مفهوم بیع بر بیع هازل و ساهی و نائم و امثال این ها صدق می‌کرد

و همچنین عقد بیع یک اعتبار نفسانی صرف نیست و الا مفهوم بیع بر هر

اعتبار نفسانی بدون مبرز خارجی صدق می‌کرد و این بالضرورة باطل است

بلکه حقیقت عقد همان اعتبار نفسانی است که به وسیله مبرزى به مرحله

ظهور می‌رسد»

از مطالب گفته شده روشن می‌شود که اراده و قصد ظاهری، اعتبارش را از

اراده باطنی می‌گیرد و در اعمال حقوقی اراده باطنی مقدم بر اراده ظاهری است.

حکم خاص ازدواج سفید در حالت فقدان قصد

پس از بیان قاعده عمومی و کلی در باب لزوم قصد در فقه و حقوق، حال باید دید حکم خاص ازدواج سفید در حالت فقدان قصد مبنی بر ایجاد ازدواج صحیح شرعی چیست؟ در این حالت مشخص است که طرفین قصد و اراده ای برای تشکیل خانواده ندارند و صرفاً قصد هم باشی موقت را دارند. اتفاقاً در اغلب موارد قصد طرفین، هم باشی است و عده محدودی برای آشنایی و ادامه زندگی روی به چنین ازدواجی می آورند لذا در فرض همباشی موقت، اراده و قصد طرفین برای عقد نکاح مخدوش است و اصلاً قصد و اراده ای برای شکل گیری این عمل حقوقی ایجاد نشده است پس شرط قصد و رضای طرفین که از شروط صحت نکاح می باشد را ندارد لذا عمل طرفین باطل است. اما در جایی که قصد ادامه زندگی داشته باشند می توان گفت اراده و قصد برای ایجاد عقد و عمل حقوقی نکاح شکل گرفته است این نکته مهم است که برای شکل گیری و انعقاد عقد دو عنصر لازم است یکی اراده و قصد و رضا و دیگری آنچه بر این اراده و قصد و رضا دلالت دارد. اعلام اراده در ازدواج سفید به لفظ نیست بلکه به فعل و عمل است لذا در جایی که به کار بردن الفاظ برای طرفین ممکن باشد اما طرفین قصد خود را با عمل اظهار کنند قانون مدنی در ماده ۱۹۳ در این باره می گوید:

«انشا معامله ممکن است به وسیله عملی که مبین قصد و رضا باشد مثل قبض و اقباض حاصل گردد مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد» اما عقد نکاح به موجب ماده ۱۰۶۲ قانون مدنی استثناء شده و به صراحت اعلام میکند نکاح واقع می شود به ایجاب و قبول و به الفاظی که صریحاً دلالت بر قصد ازدواج نماید پس در فرض قصد طرفین برای ازدواج عنصر اعلام اراده طرفین مخدوش می باشد و شرط صحت را ندارد.

دوفصلنامه

گفتار

فقه و اصول

سال سوم

پاییز و زمستان

۱۳۹۷

حالت دوم: ازدواج سفید: همراه با قصد و بدون لفظ

در برخی موارد قصد طرفین از همباشی این است که مدتی در کنار یکدیگر زندگی می کنند تا با ارزیابی یکدیگر به این نتیجه برسند که آیا می توانند طرف مقابل را به عنوان همسر خود انتخاب نمایند یا خیر؟ به عبارت بهتر با این قصد وارد همباشی می شوند که با شناخت بهتری از طرف مقابل زندگی مشترک را در قالب ازدواج شرعی آغاز نمایند. به عبارت سوم قصد دو طرف از همباشی، ازدواج است. در این مسیر ممکن است این قصد همچنان پابرجا بماند و در نهایت به ازدواج صحیح شرعی منتهی گردد و ممکن است با گذر زمان قصد ازدواج شرعی کمرنگ گردیده و در نهایت نابود شود. قریب به همین معنا در فقه امامیه موضوعی تحت عنوان نکاح معاطاتی مورد کنکاش علما قرار گرفته است.

امام خمینی (ره) در مورد نکاح معاطاتی می گوید:

«فلو تقاول الزوجان و قصدا الازدواج ثم انشاته المراه بذهابها الی بیت المرء بجهیزتها مثلا و قبل المرء ذلک بتمکینها فی البیت لذلک تحققت الزوجیه المعاطاتی» (خمینی، ۱۴۲۱ج: ۱، ۲۶۷) اگر زن و مرد با هم گفت و گو و قصد ازدواج کردند و زن با رفتنش به خانه ی مرد، مثلا همراه جهیزیه، زوجیت ایجاد کند و مرد نیز زوجیت زن را با تمکین زن در خانه اش بپذیرد، در این صورت ازدواج معاطاتی صورت می گیرد.

نکته ای که لازم است ذکر گردد این است که در حالت دوم ازدواج سفید که طرفین قصد دارند اما لفظی در کار نیست فرقی ندارد که سایر شرایط صحت نکاح هم موجود باشد یا مفقود. بنابراین ممکن است دختر باکره با وجود اذن ولی، اقدام به ازدواج سفید کرده است یا ممکن است بدون اذن ولی دست به چنین اقدامی زده باشد. در هر صورت این مساله تفاوتی در حکم قضیه ایجاد نمی

کند زیرا در هر دو حال ایجاب و قبول لفظی که از شرایط صحت نکاح است مفقود می باشد.

در راستای پژوهش پیرامون حکم ازدواج سفید در حالت قصد بدون لفظ ابتدا لازم است طرق ابراز قصد در عقود و معاملات به طور اعم و نکاح به طور اخص بیان گردد و سپس جایگاه نکاح معاطاتی مورد مذاقه قرار بگیرد.

طرق ایجاد قصد و رضا

همان گونه که گفته شد قصد و رضا (اراده) امری باطنی است و در عالم واقع نمی توان بر این امر درونی اثری مترتب شود این امر درونی برای این که اثر گذار باشد باید در خارج و واقع ظهور یابد و به وسیله یکی از اسباب متعارف ابراز شود. حال در مسیر تحقق قصد در عالم خارج می توان از راه های متعددی استفاده کرد مثل لفظ، کتابت، اشاره و فعل. لکن مهمترین طریقه ابراز قصد همان لفظ است این اهمیت در عقد نکاح اهمیت بیشتری پیدا می کند زیرا طبق مبانی فقهی برای تحقق نکاح صحیح شرعی، لفظ نقشی اساسی دارد. در ادامه به بررسی نقش لفظ در عقد نکاح می پردازیم و سپس از همین زاویه - و فارغ از نکاح معاطاتی - حکم ازدواج سفید را از منظر فقه بیان می کنیم.

دوفصلنامه

گنجان

فقه و اصول

سال سوم

پاییز و زمستان

۱۳۹۷

نقش لفظ در عقد نکاح

در فقه الفاظ بهترین وسیله ابراز قصد دانسته شده است و طبق نظر مشهور در عقود و ایقاعات وجود الفاظ لازم است. در این زمینه شیخ انصاری در لزوم به کارگیری الفاظ در ایجاد عقود ادعای اجماع کرده است و بیان می کند:

«أن اعتبار اللفظ في البيع بل في جميع العقود مما نقل عليه الإجماع و تحقق فيه الشهرة العظيمة» (انصاری، ۱۴۲۰، ج ۳: ۱۱۷)

در مقابل برخی از فقهاء از جمله آیت الله خوئی می گوید:

«فمقتضى القاعدة هو انعقاد جميع العقود و الإيقاعات بكل ما يصلح للإنشاء، و إبراز الاعتبار النفساني، سواء فيه الفعل و القول، و سواء فى القول الحقیقة و المجاز، و الصریح و غیره، و سواء فى المجاز کون القرینة لفظیة و غیر لفظیة» (توحیدی، بی تا، ج: ۳، ۱۶)

حقیقت هر امر انشایی به اعتبار نفسانی وابسته است که با مبرز خارجی ابراز می شود چه این مبرز فعل، قول یا هر وسیله دیگری باشد و معیار این است که عنوان عقد بر آنچه ابراز شده است صدق کند و دلیلی بر تخصیص وسیله ابراز به مورد خاصی وجود ندارد.

طبق این دیدگاه می توان از هر وسیله عرفی که صلاحیت انشاء عقد داشته باشد برای انعقاد عقود استفاده کرد بنابر این هر عقدی که به وسیله ای متعارف ابراز شده باشد معتبر است.

اما در مورد نکاح وضعیت متفاوت است زیرا فقهاء اتفاق نظر دارند که در انجام عقد نکاح وقوع ایجاب و قبول لفظی لازم و ضروری است. به عنوان نمونه مرحوم بحرانی می گوید:

« أجمع العلماء من الخاصة و العامة على توقف النكاح على الإيجاب و القبول للفظیین » (بحرانی، ۱۴۰۵، ج: ۲۳، ۱۵۶)

حکم خاص ازدواج سفید در حالت قصد بدون لفظ

گاهی دختر و پسر به قصد ازدواج اقدام به همباشی می نمایند بدون اینکه الفاظی که دلالت بر نکاح کند را به کار ببرند در این حالت اگر طبق قواعد عمومی پیش می رفتیم و نظریه حاکمیت اراده باطنی را می پذیرفتیم می توانستیم با فرض وجود سایر شرایط قائل به صحت ازدواج سفید شویم اما با توجه به قاعده خاصی که در نکاح وجود دارد و در فقه به انشاء لفظ تاکید شده است نمی توان هیچ وجهی برای صحت ازدواج سفید در این حالت پیدا کرد در نتیجه این شرط

از شرایط صحت نکاح نیز در پدیده ازدواج سفید مخدوش است زیرا مبرز قصد در اینجا فعلی است و گفتیم اجماع فقها و صراحت قانون بر این است که چنین ابرازی مورد پذیرش نیست و تنها با ابراز لفظی قصد طرفین بر نکاح هست که رابطه زوجیت محقق می شود.

نکاح معاطاتی

یکی از مصادیق ازدواج سفید، همباشی همراه قصد بدون لفظ است که منطبق بر نکاح معاطاتی در لسان فقها است. بنابراین لازم است دیدگاه فقها اولاً و بالذات در مورد نکاح معاطاتی مورد بررسی قرار گیرد تا به تبع آن و ثانیاً و بالعرض حکم ازدواج سفید هم معین گردد.

دیدگاه بطلان نکاح معاطاتی در فقه امامیه از اعتبار زیادی برخوردار است. به گونه ای که می توان گفت که تقریباً تمام فقهای که متعرض بحث نکاح شده اند، بر لزوم لفظی بودن ایجاب و قبول تاکید نموده اند. به عنوان نمونه، امام خمینی (ره) در این خصوص اظهار داشته اند:

«النکاح علی قسمین: دائم و منقطع، و کل منهما یحتاج إلی عقد مشتمل علی ایجاب و قبول لفظین» (خمینی، بی تا، ج ۲: ۲۴۶) نکاح بر دو قسم دائم و منقطع است و هر کدام محتاج عقدی است که مشتمل بر ایجاب و قبول لفظی باشد. ایشان در ادامه می افزاید مجرد رضایت قلبی طرفین کفایت نمی کند و معاطاتی که در غالب معاملات جریان دارد، در عقد نکاح کفایت نمی کند.

مشابه این عبارت در بسیاری از منابع فقهی مشاهده می شود. به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می شود:

يعتبر اشتماله علی الإیجاب و القبول اللفظیین کغیره من العقود الالزامه فالإیجاب زوجتک و أنكحتک و متعتک لا غیر (شهیدثانی، ۱۴۱۰، ج ۵: ۱۰۸)

فلا یکفی التراضی الباطنی و لا الإیجاب و القبول الفعلیین و أن یکون الإیجاب بلفظ النکاح أو التزویج علی الأحوط (یزدی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۸۵۱)

و أما الأول فعقد النکاح کغیره من العقود الالزامه یفتقر إلی ایجاب و قبول لفظیین دالین علی القصد الرافع للاحتمال أی القصد التفصیلی و من العبارة

عن الإيجاب لفظان: زوجتك و أنكحتك بلا خلاف و لا إشكال لكونهما مشتقين من الألفاظ الصريحة في ذلك (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹: ۱۳۲)

برخی از فقها نیز الفاظ ایجاب و قبول را مورد بحث و بررسی قرار داده و متعرض اصل بحث ضرورت لفظی بودن ایجاب و قبول نشده‌اند. زیرا از نظر آنان این امر مسلم و بدیهی است (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۴: ۱۹۳؛ محقق حلی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۲۱۶)

بعضی از فقها در مورد ضرورت لفظی بودن ایجاب و قبول عقد نکاح تا آن جا پیش رفته‌اند که نکاح بدون صیغه را سفاح (زنا) خوانده‌اند، مانند شیخ انصاری که نوشته است:

«أن الفروج لا تباح بالإباحه و لا بالمعاطاه، و بذلك يمتاز النكاح عن السفاح لأنّ فيه التراضي أيضا غالباً» (انصاری، ۱۴۱۵: ۷۷) همانا فروج با اباحه و با معاطات حلال نمی‌شود و فرق نکاح و سفاح نیز در صیغه است، زیرا در سفاح نیز غالباً تراضی است.

از نظر فقهای معاصر نیز نکاح معاطاتی اعتباری ندارد و آنان نوعاً ایجاب و قبول لفظ را لازم شمرده‌اند. آیت الله بهجت در پاسخ سؤالی در مورد نکاح معاطات اظهار داشته‌اند: «معاطات در مورد نکاح نیست» (معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، ۱۳۸۲، ج ۱: ۶۹) آیت الله مکارم شیرازی نیز در این خصوص گفته‌اند:

«چیزی به نام ازدواج معاطاتی نداریم و چنین ازدواجی باطل است» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۱: ۲۵۰)

مشهور فقها برای معاطات در عقد نکاح اثری قایل نیستند، بلکه در این خصوص اجماع وجود دارد. شیخ انصاری با اشاره به اجماع علمای اسلام بر ضرورت لفظی بودن عقد نکاح بیان داشته است: «أجمع علماء الإسلام كما صرح به غیر واحد علی اعتبار أصل الصیغه فی عقد النکاح» (انصاری، ۱۴۱۵: ۷۸) علمای اسلام اجماع دارند همانطور که جمعی به آن تصریح کرده‌اند بر اینکه در عقد نکاح صیغه لازم است.

صاحب ریاض هم ادعای اجماع کرده و بیان می کند:

«أما الصيغة التي لا بُدَّ هنا منها بإجماع علماء الإسلام»

(طباطبایی، ۱۴۱۹، ج ۱۱: ۱۰)

صاحب حدائق مدعی است که لزوم لفظی بودن عقد نکاح اجماعی علمای

خاصه و عامه است و بیان می دارد:

«و اتفقوا على أن الإيجاب فى العقد الدائم يقع

بلفظ» (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۳: ۱۵۷)

حکم خاص ازدواج سفید در مقایسه با نکاح معاطاتی

آن چه در مورد دلیل اجماع قابل ذکر است این است که با وجود اختلاف نظرهای متعددی که فقها در مسائل گوناگون دارند و جز در ضروریات دین به ندرت اتفاق می افتد پیرامون موضوعی اجماع حاصل گردد لکن در این مورد خاص ملاحظه شده عده ای از علما نقل اجماع کرده اند و با توجه به ورع و تقوای علما و اینکه در مورد کوچکترین موضوعات بحثهای فراوانی می کنند انسان اطمینان قلبی پیدا می کند چنین اجماعی وجود دارد چه برسد به اینکه ناقلین اجماع کثیری از فقها هستند. با عنایت به پذیرش این دیدگاه می توان حکم ازدواج سفید در حالتی که قصد وجود دارد اما لفظی در کار نیست را به دست آورد زیرا ازدواج سفید در این حالت عبارتاً آخرای نکاح معاطاتی است. در نتیجه ازدواج سفید هم در صورتی که همراه با قصد بدون لفظ باشد اجماعاً باطل است.

اگر گفته شود در ازدواج سفیدی که همراه با قصد بدون لفظ است باید بین حالتی که فعلی یا کتابتی که مبرز قصد است و بین حالتی که چنین فعل یا کتابتی موجود نیست تفاوت قائل شد یعنی در آنجا که فعل یا کتابتی وجود دارد که حاکی از قصد است به صحت ازدواج سفید قائل شد و آنجا که چنین فعل یا کتابتی نیست قائل به بطلان ازدواج سفید شد. در جواب می گوئیم اگر تفاوتی به

این اهمیت وجود می داشت حتما فقها به آن اشاره می کردند حیث اینکه حتی اشاره ای به این تفاوت نکرده اند ما را به این مطلب رهنمون می کند که چنین تفکیکی جایگاهی ندارد.

حالت سوم ازدواج سفید: همراه با قصد و لفظ

آخرین حالتی که برای ازدواج سفید متصور است حالتی است که طرفین با قصد ازدواج در کنار یکدیگر قرار می گیرند و علاوه بر آن ایجاب و قبول لفظی را نیز به کار می برند. اما آن چه در این بین مفقود است سایر شرایط صحت ازدواج صحیح شرعی است. از آنجا که در این حالت ایجاب و قبول لفظی هم وجود دارد لذا در ابتدای امر باید بررسی شود آیا هر ایجاب و قبولی می تواند باعث انعقاد ازدواج سفید شد به عبارت دیگر شرایط ایجاب و قبول کدام اند. پس از بررسی شرایط ایجاب و قبول بایستی لزوم اذن ولی در ازدواج دختر باکره به عنوان یکی از شرایط صحت نکاح نیز مورد واکاوی قرار می گیرد.

شرایط ایجاب و قبول لفظی و تطبیق آن بر ازدواج سفید

همانطور که اشاره شد یکی از شرایط نکاح صحیح شرعی ایجاب و قبول لفظی است اما به جهت حساسیت موضوع نکاح و ارتباط آن با تربیت نسلی حلال زاده و مومن و باتقوا، فقهای عظام جانب احتیاط را در پیش گرفته و علاوه بر لزوم استعمال لفظ شرایط دیگری را نیز برای ایجاب و قبول بیان نموده اند بنابراین لازم است شرایط ایجاب و قبول لفظی در عقد صحیح شرعی بررسی گردد و سپس با موضوع ازدواج سفید تطبیق داده شود و به این دو سوال اساسی پاسخ داده شود اگر طرفین در ازدواج سفید شرایط ایجاب و قبول لفظی را رعایت نکنند چه احکامی بر آن بار می شود و اگر رعایت کنند چه حکمی دارد.

شرایط ایجاب و قبول لفظی

فقها برای ایجاب و قبول لفظی شرایط متعددی را ذکر کرده اند لکن در اینجا به شرایط مبتلابه و اساسی اکتفا می گردد. این شرایط عبارتند از: عربی بودن لفظ، اعتبار صیغه خاص و تقدم ایجاب بر قبول. ذیلا به بیان این شرایط می پردازیم.

اعتبار عربی بودن لفظ

تعداد زیادی از فقها اتفاق دارند که اگر انجام نکاح به لفظ عربی مقدور باشد، در این صورت باید به زبان عربی انجام شود.

به عنوان نمونه یک مورد از اقوال فقها را ذکر می کنیم.

«و الأحوط لزوما کونه فیهما باللفظ العربی، فلا یجزی غیره من سائر اللغات

إلا مع العجز عنه و لو بتوکیل الغیر» (خمینی، بی تا، ج: ۲، ۲۴۶)

برخی دیگر از فقها می گویند مستحب است که صیغه نکاح به زبان عربی باشد ولی واجب نیست و دلیل آن ها این است که اولاً زبان های غیر عربی در حکم مترادف با زبان عربی هستند و ثانیاً هدف شارع از الفاظ عقد آن است که متعاقدين، معانی مورد نظر را بفهمند و این هدف با هر زبانی تحقق می یابد. (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج: ۵، ۱۱۱)

نظر گروه اول که عربی بودن صیغه را الزامی می دانند بیشتر با توجه با اهمیت موضوع ازدواج جنبه احتیاطی داشته است و لذا عده زیادی از فقها به عدم لزوم عربیت در بیان صیغه نکاح فتوی داده اند و در عین حال رعایت جانب احتیاط را نیز در نظر گرفته اند.

اعتبار صیغه ی خاص

گفتیم که در عقد نکاح ایجاب و قبول باید لفظی باشد اما در خصوص الفاظ ایجاب و قبول نکاح این سوال مطرح است که آیا هر لفظی که بر تراضی و اراده متعاقدين دلالت نماید کافی است یا خیر؟ فقهاء در این زمینه الفاظ مخصوصی را برای انعقاد عقد نکاح شرط می دانند و الفاظی مانند «زوجتک» و «انکحتک» و

«متعتك» را برای ایجاب عقد نکاح و الفاظ «قبلت التزویج» و «تزوجت» و «قبلت» را برای صیغه قبول شرط دانسته اند ذیلاً به چند مورد از آراء فقها اشاره می‌کنیم.

«يعتبر اشماله على الإيجاب و القبول اللفظيين كغيره من العقود اللازمة فالإيجاب زوجتك و أنكحتك و متعتك لا غير» (شهیدثانی، ۱۴۱۰، ج ۵: ۱۰۸)

«عقد النكاح كغيره من العقود اللازمة يفتقر إلى إيجاب و قبول لفظيين دالين على القصد الراجع للاحتمال أى القصد التفصيلى و من العبارة عن الإيجاب لفظان: زوجتك و أنكحتك» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹: ۱۳۲)

تقدم ایجاب بر قبول

طبق نظر مشهور فقها شرط نیست که ایجاب بر قبول مقدم باشد و اگر مرد ابتدا قبول را بگوید و سپس زن ایجاب را جاری کند کافی است در تایید نظر مشهور استدلال می‌کنند که در عقد نکاح ایجاب آن از طرف زن است و او غالباً حیا می‌کند از این که ابتدا صیغه ی نکاح را جاری سازد بنابر این در عقد نکاح از این جهت از مقدم شدن ایجاب صرف نظر شده است همچنین می‌گویند عقد عبارت است از مجموع ایجاب و قبول، و ترتیب میان آنها به هر شکلی واقع شود به مقصود عقد خللی وارد نمی‌کند. به عنوان نمونه دو مورد از فتوای فقها را ذکر می‌کنیم:

«و لا يشترط تقديم الإيجاب على القبول، لأن العقد هو الإيجاب و القبول. و الترتيب كيف اتفق غير مخل بالمقصود.» (شهیدثانی، ۱۴۱۰، ج ۵: ۱۱۰)

«و لا يشترط هنا تقديم الإيجاب على القبول» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹: ۱۴۰)

تطبيق شرایط ایجاب و قبول لفظی بر ازدواج سفید

بر طبق آنچه بیان شد عربی بودن و صیغه خاص البته با در نظر گرفتن قیودی که عنوان شد از جمله شرایط ایجاب و قبول لفظی در نکاح صحیح شرعی است.

در حالت سوم ازدواج سفید طرفین علاوه بر قصد، لفظ را هم به کار می‌برند. حال انشاء لفظ در این حالت از دو حال خارج نیست یا شرایط مورد نظر در فقه

وجود دارد و یا این شرایط موجود نیست. اگر طرفین شرایط ایجاب و قبول لفظی را رعایت نکنند و با الفاظ دیگری ایجاب و قبول را بیان کنند مثلا پسر بگوید "تو را گرفتم" و دختر بگوید "اوکی" یا دختر بگوید "تو شوهر من باش" پسر بگوید "چشم" در این صورت قطعا الفاظ مورد نظر شرعی استعمال نشده و وجود این الفاظ کالعدم است. به عبارت دیگر اساسا این گونه الفاظ را به حساب نمی آوریم و بار فقهی و حقوقی برای آنها قائل نیستیم در نتیجه همان احکام حالت دوم ازدواج سفید - قصد بدون لفظ - را خواهد داشت و ملحق به آن حالت می گردد. اما اگر طرفین شرایط ایجاب و قبول شرعی را مراعات نمایند و ایجاب و قبول را به زبان عربی بیان کنند و از صیغه های مخصوص شرعی استفاده نمایند در این صورت حکم حالت سوم ازدواج سفید - قصد همراه با لفظ - را خواهد داشت. بنابراین منظور از ایجاب و قبول در این فصل ایجاب و قبولی است که به صورت صحیح انشا شده باشد.

اذن ولی در ازدواج از منظر فقه و حقوق

از جمله شرایط صحت نکاح اذن ولی دختر باکره است. گرچه در مورد ضرورت اذن ولی در ازدواج دختر باکره بین فقها اختلاف نظر وجود دارد لکن در شرایط کنونی و طبق نظر فقهای معاصر اذن ولی ضروری است.

ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی قبل از اصلاحیه سال ۱۳۶۱ مقرر می داشت: نکاح دختری که هنوز شوهر نکرده، اگر چه بیش از ۱۸ سال تمام داشته باشد، متوقف به اجازه پدر یا جد پدری اوست و در اصلاحیه سال ۱۳۶۱ چون دیگر سن ۱۸ سال، موضوعیت برای رشد نداشت و ملاک سن ازدواج، سن بلوغ تعیین شد، عبارت اگر چه به سن ۱۸ سال تمام رسیده باشد به: اگر چه به سن بلوغ رسیده باشد، اصلاح شد. در اصلاحیه سال ۱۳۷۰ عبارت دختری که هنوز شوهر نکرده به دختر باکره تبدیل شد، چون عبارت قبلی این توهم را ایجاد می کرد که اگر دختری شوهر کرده باشد و قبل از زناشویی جدا شده باشد، چون عنوان شوهر

کردن بر او صدق می کند برای ازدواج بعدی نیازی به اجازه پدر ندارد. در حالی که در این صورت هم اجازه پدر لازم است، برای رفع این شبهه در اصلاحیه عنوان دختر باکره ذکر شد.

بنابراین با توجه به دیدگاه فقهای معاصر و هم چنین قانون مدنی می بایست ملتزم به ضرورت اذن ولی شد. بنابراین در حالتی که طرفین با قصد ازدواج انشای صیغه اقدام به ازدواج سفید می کنند سه حالت متصور است:

۱- اگر دختر غیرباکره باشد اساساً اذن ولی ساقط می شود در این صورت اگر سایر شرایط صحت نکاح هم موجود باشد موضوعاً از ازدواج سفید خارج است و داخل در ازدواج صحیح شرعی می شود.

۲- اگر دختر باکره باشد و اذن ولی را هم اخذ کرده باشد در صورتی که سایر شرایط صحت نکاح موجود باشد موضوعاً از ازدواج سفید خارج می شود.

۳- اگر دختر باکره باشد و اذن ولی را نگرفته باشد در این صورت باید گفت از آنجا که هم از نظر فقهی و هم از نظر قانونی اذن ولی در ازدواج ضروری است بنابراین ازدواج صورت گرفته باطل است اما آیا باید حتماً طلاق بگیرند و از هم جدا شوند یا اینکه بدون طلاق هم میتوانند جدا شوند اختلاف نظر وجود دارد. در هر صورت آنچه مسلم است اینکه عقد آنها باطل است. یکی از مصادیق ازدواج سفید در حالت سوم همین مورد سوم است که ملاحظه کردیم چون اذن ولی وجود ندارد پس ازدواج باطل است.

نتیجه گیری

از منظر فقه و به دلیل اهمیت ازدواج در اسلام و ارتباط آن با تربیت نسلی حلال زاده و مومن و متعهد، فقهای عظام شرایطی را جهت وقوع نکاح شرعی بیان کرده اند که در صورت فقدان هر یک از آن شرایط عقد نکاح محقق نشده است. عمده این شرایط عبارتند از قصد طرفین بر ازدواج، ایجاب و قبول لفظی و اذن ولی در ازدواج دختر باکره. حال در ازدواج سفید همواره یکی از شرایط مفقود است چرا که گاهی طرفین اساساً قصدی برای ازدواج ندارند و صرفاً بنا بر دلایلی غیر از ازدواج شرعی در کنار یکدیگر قرار می گیرند. گاهی هم گرچه قصد ازدواج شرعی دارند اما ایجاب و قبول لفظی را به کار نمی برند و گاهی هم قصد بر ازدواج شرعی دارند و هم ایجاب و قبول لفظی را به کار می برند لکن سایر ارکان ازدواج شرعی مفقود است در نتیجه در تمامی حالات متصوره فوق به دلیل نبود یک یا چند رکن، ازدواج باطل است.

دوفصلنامه

گفتار

فقه و اصول

سال سوم

پاییز و زمستان

۱۳۹۷

کتابشناسی

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد جزری (۱۳۶۴). **النهاية في غريب الحديث و الاثر**. قم، موسسه اسماعیلیه، چاپ چهارم
۲. ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). **لسان العرب**، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ سوم،
۳. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵). **کتاب النکاح**. محقق گروه پژوهش در کنگره، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول
۴. انصاری، مرتضی (۱۴۲۰). **کتاب المکاسب**، قم، مؤسسه باقری، چاپ اول،
۵. بحرانی، یوسف (۱۴۰۵). **الحدائق الناظرة**، قم، جماعه المدرسین، چاپ اول
۶. تستری، اسدالله (بی تا). **مقابس الانوار و نفائس الاسرار فی احکام النبی المختار و عترته الاطهار**. قم، موسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول
۷. توحیدی، محمد علی (بی تا). **مصباح الفقاهة (المکاسب)**، تقریرات درس فقه سید ابو القاسم خوبی، نجف، انتشارات آداب نجف اشرف، چاپ اول
۸. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰). **الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه**. بیروت، دار العلم للملایین، چاپ اول
۹. حلی، (علامه) ابی منصور حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۲). **مختلف الشیعه**، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول
۱۰. حلی (محقق)، ابو جعفر نجم الدین جعفر بن الحسن (۱۴۰۹). **تسرائع الاسلام**، قم، امیر، چاپ دوم،
۱۱. خمینی، سیدروح الله (۱۴۲۱). **کتاب البیع**. تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول
۱۲. خمینی، سیدروح الله (بی تا). **تحریر الوسیله**. قم، موسسه مطبوعات دارالعلم، چاپ اول
۱۳. خوبی، ابو القاسم (۱۳۵۲). **اجودالتقریرات**. تقریرات درس محمدحسین نائینی، قم، مطبعه العرفان، چاپ اول
۱۴. عاملی، محمد بن مکی، شهید اول (بی تا). **القواعد و الفوائد**، مصحح سید عبدالهادی حکیم، قم، کتابفروشی مفید، چاپ اول
۱۵. عاملی، بن الدین بن علی (شهید ثانی) (۱۴۱۰). **الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة (المحسني للکلاتر)**. قم، کتابفروشی داوری، چاپ اول

دوفصلنامه

کفتان

قد و اصول

سال سوم

پاییز و زمستان

۱۳۹۷

۱۶. عاملی، بن السدین بن علی (شهید ثانی) (۱۴۱۳). **مسالك الافهام**، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول
۱۷. طباطبایی، سید علی (۱۴۱۹). **ریاض المسائل**، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول
۱۸. طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن بن علی (۱۳۸۷). **المبسوط**، تهران، المکتبه المرتضویه
۱۹. فیومی، احمد بن محمد مقرئ (بی تا). **المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی**. قم، منشورات دار الرضی، چاپ اول
۲۰. کرکی (محقق)، علی بن الحسین (۱۴۰۸). **جامع المقاصد**، قم، موسسه آل البیت، چاپ اول،
۲۱. مصطفوی، حسن (۱۴۰۲). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**. تهران، مرکز الکتاب للترجمه و النشر، چاپ اول
۲۲. معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه (۱۳۸۲). **مجموعه آرای فقهی در امور حقوقی**، نکاح-۱، قم، چاپ دوم
۲۳. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۱). **فقه الامام الصادق علیه السلام**، قم، موسسه انصاریان، چاپ دوم
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷). **استفتائات جدید**، قم، موسسه امام علی بن ابیطالب علیه السلام، چاپ دوم
۲۵. نائینی، محمد حسین (۱۳۷۳). **منیه الطالب فی حاشیه المکاسب**. تقریرات درس محمد نجفی خوانساری، تهران، المکتبه المحمدیه، چاپ اول
۲۶. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴). **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**. محقق عباس قوچانی و علی آخوندی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم
۲۷. یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۰۹). **العروه الوثقی**، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم
۲۸. یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۲۱). **العروه الوثقی فیما تعم به البلوی**، قم، موسسه اسماعیلیان، چاپ دوم

دوفصلنامه

کنتان

فقه و اصول

سال سوم

پاییز و زمستان

۱۳۹۷



دوفصلنامه
کتابخانه
فقه و اصول
سال سوم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷